

سیزدهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی

تیرماه ۱۴۰۲

واکاوی بازتاب چهره استعمار در قیصرنامه ادیب پیشاوری

صفا کاظمیان مقدم^۱

چکیده:

در ادبیات دوره بیداری (مشروطه) برای اولین بار در تاریخ ادب فارسی موقعیتی فراهم شد تا نقد صریحی از شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی جامعه از سوی شاعران و نویسندگان صورت گیرد. *قیصرنامه* ادیب پیشاوری نیز به عنوان یکی از حماسه-های تاریخی این دوره؛ اگرچه راوی بخشی از تاریخ جنگ جهانی اول محسوب می‌شود، با وجود این به دلیل شناخت و بینش سیاسی عمیق ادیب بر رفتارهای سیاسی استعمار انگلیس، یکی از نوادر مجموعه‌های منظومی است که می‌توان آن را آینه‌ای تمام‌نما از چهره استعماری انگلیس به شمار آورد. ادیب در جای‌جای *قیصرنامه* به فراخور موضوع، شمایی از سیاست‌های استعماری بریتانیا را برشمرده و به این ترتیب سعی در برانگیختگی مخاطب و فراهم ساختن گفتمانی دارد که در خلال آن چهره واقعی استعمار انگلیس به خوبی انعکاس می‌یابد. این پژوهش نمونه‌هایی از رفتار و سیاست‌های استعماری انگلیس را که در *قیصرنامه* ادیب پیشاوری بازتاب یافته است در ذیل بازتاب چهره استعمار بررسی و ارائه نموده و میزان دقت ادیب در تحلیل و ارزیابی فعالیت‌های استعماری انگلیس در ایران و کشورهای شرقی را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: مثنوی حماسی، استعمار انگلیس، *قیصرنامه*، ادیب پیشاوری

^۱ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه فردوسی مشهد. safa@um.ac.ir

۱- مقدمه:

یکی از کارکردهای مؤثر ادبیات و شعر متعهد، شناسایی موقعیت‌های مختلف اجتماعی، تحلیل و روشن‌گری وضع موجود، نقد اجتماعی صریح و بی‌پرده و در نهایت برانگیختگی اجتماعی برای تغییر یک رفتار اجتماعی است. این کارکرد مهم و اساسی هرگاه با قوت طبع نویسنده و دانش و بینش سیاسی و اجتماعی او همراه باشد، موجی از گفتمانی اجتماعی و تأثیرگذار را در پی خواهد داشت.

شرایط اجتماعی و فکری جدیدی که در دوران مشروطه برای ادبیات فراهم شد، این زمینه را فراهم ساخت تا استعداد‌های نو و گفتمان‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف ادبیات اجتماعی بروز نماید. «متون ادبیات جدید، برخلاف فاصله‌گیری از میراث ادبی پیشین، در معنا و ریشه اجتماعی، از چارچوب فرهنگی اثرگذارتری برخوردار شد؛ به گونه‌ای که کنشگران فکری و زبانی از ظرفیت دستگاه زبانی برای بازتولید عینیت تاریخی و انتقال آن به ذهنیت اجتماعی و حوزه عمومی با هدف دگرگون‌سازی برآمدند، ادبیات نظم و نثر و گونه‌ها و سبک‌های سخن‌سرایی، به مثابه رسانه‌ای در انتقال پیام به توده‌های اجتماعی جامعه و کنشگر فرهنگی، سیاسی عمل کردند و ضمن طرح رسالتی جدید برای خود از وظیفه معهود و تاریخی پیشین خود فاصله گرفتند و خودآگاهی اجتماعی و بسیج عمومی را توسعه دادند.» (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۰)

پذیرش این موضوع که ادبیات همواره تابعی از احوال و اوضاع اجتماعی دوران خود بوده است، و بررسی و تحلیل شرایط سیاسی ایران در دوران قاجار، این نکته را روشن می‌کند که ادبیات این دوره نیز متناسب با تغییرات اجتماعی و فرهنگی آن عصر، از دگرگونی‌های بسیاری برخوردار بوده است.

ادبیات مشروطه در جریان جدال با ادبیات کهنه شکل و جان می‌گیرد و به همین دلیل هم از نظر شکل و هم محتوا نو و سنت شکن است. متفکرین مشروطه اصرار دارند که کلام را از قصرهای باشکوه اشرافی بیرون بیاورند و به خدمت مردم کوچه و بازار بگمارند. «اما هدف اشعار در این دوره بیداری مردم و انگیختن احساسات ملی و میهنی و ترویج آزادی‌های فردی و اجتماعی و طرد خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا پیکار با بیگانه و بیگانه‌خواهی، انتقاد سخت و بی‌رحم از نابسامانی‌ها و آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آن‌هاست.» (ذاکر حسین، ۱۳۷۷: ۴۱)

با این حال شعر آخرین دهه ناصری، در دو شاخه اصلی جریان داشته است که هر دو شدیداً سنت‌گرا بود: شعر درباری و شعر مردمی. شعر درباری شعری است که درباریان و صاحبان قدرت سیاسی را مخاطب قرار می‌داد و سراینده‌گان این نوع شعر، حتی اگر دیگر

واکاوی بازتاب چهره استعمار در قیصرنامه ادیب پیشاوری ۷۷۱

مضامین شعری نظیر تغزل، وصف و مضامین مذهبی را به کار می‌بردند، آن را در خدمت ستایش قرار می‌دادند. شاخه دوم، یعنی شعر مردمی نیز، جمهور مردم را مخاطب قرار می‌داد و شاعر با سرودن این نوع شعر، توقع انعام و صله نداشت. درون‌مایه شعر مردمی، مضامین تکراری عارفانه، عاشقانه، پند و اندرز و ... بود، که از روح و معنویت لازم خالی بود و به همین جهت، تأثیر چندانی نداشت. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۴۸-۹)

در این میان ادیب پیشاوری را باید از طبقه مدافعان سرسخت ادبیات کهن فارسی در میان شعرای عصر مشروطه دانست، با این رویکرد، او هیچ‌گاه اوضاع زبان فارسی را که هر روز فاصله خود را با سنت‌ها، ارزش‌ها و اصول قطعی شعر و شاعری زیاد می‌کرد، در شرایط مطلوبی نمی‌دید، او در جای از قیصرنامه با عنوان «شکایت از فساد و کساد بازار شعر و ادب» می‌گوید:

ز تاریخ طبعان واهی اساس	بر این طبع باریم دارم هراس
گر این است فضل و ادب این چنین	که نازند این قوم غافل ازین
نخواهم که نامم بری زین حشر	گذشتم من از تو، تو از من گذر

(پیشاوری، ۱۳۷۶۸: ۱۷۲)

ب: ۱۸)

البته او همچنان بر درستی روش و اصل سنت‌گرایی در شعر خود با استدلال بر پایبندی به اصول شعر و شاعری که نزد پیشینیان بوده تأکید دارد و امیدوار است بالاخره این روش مورد توجه دیگران قرار گیرد:

گمانم اگر بنگری دفترم	ز پیشینیان نشمری کمترم
همین آرزو دارم از کردگار	که آید گل سوری من به بار

(پیشاوری، ص: ۲۱)

ب: ۹)

ادیب معتقد و مطمئن است که با بیان شورانگیز و آتشین خود، روزی دژ فتنه و فریب کشورهای استعماری به خصوص انگلیس را نابود خواهد ساخت:

دژ فتنه خواهیم ز بن کند من	توئی فتنه آرمت در بند من
من این فتنه را در نوردم گلیم	چنان چون که فرعونیان را کلیم

(پیشاوری، ص: ۱۴۹، ب: ۱)

۲- بیان مسئله:

قیصرنامه ادیب پیشاوری محصول دوران مشروطه یکی از پرمخاطره‌ترین ادوار تاریخ ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به شمار می‌رود، جایی که تغییرات عمده سیاسی و اجتماعی، گفتمان‌های ادبی مختلفی را در این دوران پدید آورد که به همراهی با نهاد قدرت اجتماعی (مشروطه) برخاستند. هم‌زمان با تقاضای اجتماعی برای دستیابی به عدالت سیاسی و اجتماعی از طریق نظام سیاسی مشروطه که البته با اتفاقات ریز و درشت و گاه تلخی در آن دوران همراه بود، نفوذ استعمارگران بیگانه در میان بی‌سامانی سیاسی در ایران نیز کاملاً مشهود و آزار دهنده بود، با این حال در میانه هیاهوی مشروطه‌خواهی و تغییر و تحولات ادبی، موضوعات سیاسی هیچ‌گاه از دید شاعران و نویسندگان پنهان نماند و یا لاقلاً تنها به یکی از جنبه‌های کاملاً مشهود آن مانند موضوع مشروطه پرداخته شده است.

ادیب پیشاوری که سابقه ذهنی تلخی از حضور سیاسی و استعماری انگلستان در دوران زندگی خود در کشور هند دارد، از معدود شاعرانی است که موضوعات پیچیده سیاسی، به‌خصوص سیاست خارجی را در لایه‌های پنهان آن در روابط اجتماعی و سیاسی کشورها به فراست دریافته، به بازنمایی جنبه‌های مختلف آن در شعر خود می‌پردازد، از این رو می‌توان قیصرنامه را عصارهٔ بینش و دریافته‌های سیاسی ادیب در تصویر کردن چهرهٔ استعمار، به‌خصوص استعمار انگلیس و چگونگی حضور و رخنهٔ آن در میان کشورهای شرقی به شمار آورد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

کیخا در مقاله «افکار سیاسی آقا سید احمد رضوی (ادیب پیشاوری)» (۱۳۸۶) به نگاه سیاسی و واکنش‌های ادیب به اتفاقات سیاسی پیرامون محیط اجتماعی خود پرداخته که در این مقاله به آن اشاره شده است، همچنین در مقاله «سنت حماسه سرایی در قیصرنامه ادیب پیشاوری به قلم رویانی» (۱۳۹۹) بررسی زبانی و ساختاری قیصرنامه در قالب سنت حماسه سرایی مورد نقد و کاوش قرار گرفته است. در مقاله «بازتاب اکسپرسیونیستی رخدادهای جنگ جهانی اول در سروده‌های ادیب پیشاوری» (۱۳۹۶) توسط بهره‌ور و حمیدی، به تطابق بخشی از قصاید و ابیات قیصرنامه با مکتب ادبی هنری اکسپرسیونیست پرداخته شده است. قصایی و وکیلی نیز در مقاله «پیوند ادب و سیاست و بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار ادیب پیشاوری» (۱۳۹۹) تنها به بیان نمود رخدادهای جنگ جهانی اول در قیصرنامه پرداخته‌اند، اگرچه در این مقاله رفتار استعماری کشورهای متخاصم از

نگاه دور نمانده ولی با جزئیات در ابعاد این شیوه استعماری همراه نبوده است و تنها به بازتاب تاریخی آن پرداخته است.

۱-۳- آشنایی با بینش سیاسی ادیب پیشاوری در قیصرنامه

ادیب مردی عالم به سیاست روز بوده و در باب اتّفاقات روزگار خود بی تفاوت نبوده و دارای رأی و نظر است، دلیل علاقه‌مندی او به سیاست را جدای از آنکه باید در تجربیات و دقت نظر و موشکافی مثال زدنی او جستجو نمود، باید در روابط او با بزرگان سیاسی ایران زمین نیز جست، از آنجایی که غالب سیاسیون ایرانی در تاریخ گذشته به خصوص در دوران مشروطه مردمانی شعر دوست و شاعر بوده‌اند (بدلیل توجه دادن مردم به اوضاع سیاسی و اجتماعی، از راه شعر که برای مردم ملموس‌تر و شیواتر می‌نمود)، لذا نزدیکی به این جمع ضمن آنکه موجبات همراهی او را با گروهی از ادبا فراهم می‌ساخت، موجبات اطلاع او از آخرین اتّفاقات و منشی‌های سیاسی روزگار عصر خود را نیز فراهم می‌آورد. اعضا انجمن ادبی که ادیب نیز در جمع آنان حاضر می‌شد «طبقه فضلا و ادبا درک صحبتش را مایه مزیت داشتند و به معاشرتش رغبت جستند در این ایام گاهی بر سبیل تفتن در انجمن شعرا که به هفته‌ای یک‌بار در خانه استاد من بنده، سید محمد بقا انعقاد می‌یافت حاضر می‌شد» (عبدالرسولی، ۱۳۱۲: ۳ و ۴)

نام تک تک اعضاء انجمن ادبی نشان می‌دهد که ادیب ضمن معاشرت با آنان بواسطه موقعیت هر یک از آنها از اطلاعات و اخبار سیاسی و اجتماعی روز نیز باخبر می‌شده است، وجود دکتر محمود افشار (مدیر مجله آینده)، اعتصام زاده (مدیر روزنامه ستاره)، حبیب یغمایی (مدیر مجله یغما) و تیمور تاش (وزیر دربار) از این جمله‌اند.

و اما مثنوی قیصرنامه اثر ارزشمند ادیب چنان که از عنوان آن پیداست با مضمون ستایش جنگاوری‌های قیصر ویلهلم همچنین بیان اتّفاقات و گزارش مختصری از جنگ جهانی اول، با تمرکز بر بازنمایی چهره استعمار انگلیس در کشورهای شرقی به‌خصوص ایران سروده شده است.

لذا قیصرنامه را می‌توان مجموعه‌ای از تحلیل‌های سیاسی و نگاه عمیق ادیب پیشاوری به حضور بیگانگان در کشور دانست که در قالبی منظوم درآمده است، به عبارت دیگر با بررسی دقیق این منظومه حماسی می‌توان به تمامی جزئیات و نگرش‌های سیاسی و مهم‌تر از آن آگاهی‌های ادبی او در حوزه‌های مختلف پی‌برد. همچنین قیصرنامه غنیمتی است که در دوران معاصر گنجینه‌ای از یک متن ادبی کهن فارسی است که گویا دوباره

تجدید حیات آغاز کرده و آن را باید یکی از شاهکارهای مکتب بازگشت در سطح ادبی و زبانی (از حیث صورت) قلمداد کرد.

۳- بحث

اگرچه قیصرنامه راوی بخشی از تاریخ معاصر جهان یعنی جنگ جهانی اول است، با وجود این ادیب به فراخور حال و در پس نقل هر اتفاق تاریخی، با انتخاب واژگان مناسب سعی در روشن کردن چهره استعمار انگلیس برای مخاطبان خود دارد. گویا تکرار و بازنمایی وقایع برای او تنها راه حل مناسب برای برملا ساختن چهره واقعی کشورهای استعماری است.

از آنجایی که قیصرنامه متنی آرکائیک و کلاسیک در سطح واژگانی و نحوی است، لذا واژه «استعمار و یا استعمارگر» که واژه‌ای با کاربرد معاصر به شمار می‌رود، هیچ‌گاه در قیصرنامه استفاده نشده است، در مقابل مفاهیم بسط یافته‌ای در قیصرنامه به چشم می‌خورد، که گویای نوع نگاه و ایدئولوژی ادیب به حضور بیگانگان در خاک ایران و کشورهای شرقی است.

در ادامه دلایل حضور استعمارگران در کشورهای شرقی و ایران و نتایج حاصل از این وابستگی از زبان ادیب پیشاوری در متن منظومه قیصرنامه به شرح زیر ارائه شده است:

۲-۱- سیطره بر ثروت و منابع غنی کشورهای شرقی

ادیب در ابتدای قیصرنامه و پس از مقدمه‌ای کوتاه دل‌مشغولی خود را از حضور اروپائیان در ایران که با مکر و نیرنگ همراه است چنین بیان می‌کند:

سوی خاور آمد یکی چاره ساز	بجوشید در باختر دیگ آز
به هر گونه گوهر به هر خواسته	جهان دید چون گنجی آراسته
از این نغزتر بر چه رانم زبان...	یکی کان و هرگونه گوهر در آن

(پیشاوری، ص: ۹، ب: ۳)

ذخائر غنی و منابع خداداد کشورهای غربی از منظر ادیب گنجی بود که حرص و طمع غربیان را برانگیخت تا بر این ثروت‌های بی‌مانند مسلط شوند.

به هر جا که گنجی بُد از سیم و زر
بریتانیا گشت آن را مَقر

(پیشاوری، ص: ۳۶۱، ب: ۱۰)

این ثروت‌ها از منظر سیاست‌های استعماری تنها محدود به منابع و ذخائر معدنی و طبیعی نیست؛ بلکه شرایط خاص جغرافیایی و استراتژیک کشور ایران در کنار استعمارگر دیگری

واکاوی بازتاب چهره‌ استعمار در قیصرنامه ادیب پیشاوری ۷۷۵

به نام روسیه و دور نگاه داشتن او از دست‌اندازی به سایر مستعمرات انگلیس چون هندوستان نیز یکی از عوامل چشم داشت استعمار انگلیس به ایران است که از چشم ادیب دور نمانده و آن را چنین بیان می‌کند:

طمع کرده بُد دشمن بد سگال
که تا گنج و مکران و کرمان خورد
ز شُش سوی افغان کند باره‌ای
که بشکسته پر باد و بر کنده بال
ره آهن آنجا ز عمان برد...
که ماند چو کودک به گهواره‌ای...
(پیشاوری، ص: ۳۴۶، ب: ۱۳)

سیاست کشیدن راه آهن استراتژیک از سوی استعمار انگلیس برای تقویت و تأمین نیروهای نظامی خود در جنوب و ایجاد مانع و سدّی در مقابل نفوذ روسیه در ایران به جهت نزدیکی به هندوستان، به دقت از سوی ادیب در این ابیات تحلیل و بازنمایی شده است.

استفاده از نیروی انسانی کشورهای مستعمره برای سیاست‌های جنگ‌طلبانه و شرکت دادن آنها به عنوان نیروی نظامی و انسانی کشور انگلستان در جنگ‌ها و البته ریخته شدن خون آنان، نیز از دیگر دلایل تسلط بر این مناطق است:

گروهی ز هندو و افغان به هم
بیاورد تازان به آوردشان
روان کرده در عرصه دود و دم
فدای بریتانیا کردشان
(پیشاوری، ص: ۴۵۴، ب: ۹)

۲-۲- شیوه تسلط استعمار بر کشورهای مستعمره

اتاق فکر استعمار انگلیس با چشم دوختن بر منابع کشورهای غنی شرقی از مدت‌ها قبل نقشه تجاوز و استیلای بر این نواحی را در سر می‌پروراند، برای مثال، واعظزاده خراسانی در مقاله‌ای به این اتاق فکر اشاره کرده و می‌گوید: «بنا به گفته همفر ۱ وی تقریباً دوازده سال پیش از انقراض سلسله صفویه از سوی وزارت مستعمرات انگلستان مأمور جاسوسی در کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و استانبول (مرکز خلافت عثمانی) می‌شود، تا اطلاعات کافی به منظور جستجوی راه‌های درهم شکستن اتحاد مسلمانان و نفوذ استعماری در ممالک اسلامی به دست آورد.» (واعظزاده، ۱۳۸۸: ۶۷۴)

۲-۲-۱- ایجاد وابستگی به کالاهای وارداتی

ادیب با تحلیل شرایط اجتماعی و سیاسی اولین نشانه‌های استعماری حضور انگلیس در کشورهای شرقی را در وابسته کردن ملت‌ها به استفاده از کالای غیرخودی و عدم اتکا به خود برای تولید می‌داند:

کز این پس مریسید بیهوده نخ	به هنگام سرما مبندید یخ
چو بشکافتد درز، نخ آورم	چو گرما شود، بار یخ آورم
همت سوزن آرم که نخ آژنی	همت تیشه آرم که یخ بشکنی
ز زر شما، گنج خویش آکنم	شود فرودین آذر و بهمنم
از این پس مدارید در خان خویش	به من بسته دارید پیمان خویش
من از شیشه نیرنگ‌ها آورم	ز هر جامه ارتنگ‌ها آورم
تو بشکن که تا منت دیگر دهم	بفرسای تا جای وی نو نهم
ز زر تو کانون آتش کنم	چو سر تافتی، خانه آتش زنم

(پیشاوری، ص: ۹، ب: ۱۴)

راحت‌طلبی و اتکا به منابع و ثروت‌های خدادادی باعث شد تا استعمار انگلیس از این حربه برای وابستگی ملت‌های مشرق زمین به خوبی استفاده کند، ادیب به فراست و با جزئیات کامل، در ابیات فوق به شرح گام به گام این وابستگی از چیزهای خرد مانند: نخ و سوزن تا مصنوعات مختلف می‌پردازد. او سرّ این وابستگی را در ادامه این روند، راحت‌طلبی و بارخود بر دوش دیگران گذاشتن می‌داند، جایی که با شکسته شدن هر کالا، کالای نو دیگری جایگزین آن خواهد شد.

۲-۲-۲- تخریب اعتقادات دینی

شیوه دیگری که ادیب از آن به عنوان وسیله‌ای برای تسلط استعمار انگلیس بر جان و تن مردمان شرقی یاد می‌کند، رخنه در اعتقادات و باورهای فرهنگی و دینی است، او بر این باور است که استعمار پس از تحلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی کشورهای مستعمره، سعی در تغییر ذائقه فرهنگی آنان داشته و با به دام انداختن فریفته‌شدگان، این نفوذ و وابستگی را دو چندان می‌کند:

ندانی که این دیو چون آشنا	شود با تو، آرد چه بر تو بلا
هوس‌خانه‌ها گر بیاراستند	ترا مرغ این دانه‌ها خواستند
پری رنگ دخت فرنگی نژاد	دلت را به صد آرزو عشوہ داد

(پیشاوری، ص: ۴۳۴، ب: ۱۱)

واکاوی بازتاب چهره‌ استعمار در قیصرنامه ادیب پیشاوری ۷۷۷

در چنین شرایطی است که بحران هویت و فرهنگ در میان جوانان ایجاد شده و اعتبار و جایگاه اجتماعی کانون خانواده و دوستان به خطر می‌افتد؛ شرایطی که شاید امروزه نیز بتوان گوشه‌ای از آن را به دلیل رخنه فرهنگی استعمار لمس کرد:

پدر با پسر گردد آویزه خوی	به مادر شود دختر استیزه‌روی
شود شحنه شرم خانه‌نشین	ز عصمت نماند نشان در زمین
جهان یکسره پر فضولان شود	فضولان مگو، پُر ز غولان شود

(پیشاوری، ص: ۳۸۳، ب: ۱۹)

۲-۲-۳ - تفرقه‌افکنی در میان گروه‌های اجتماعی

یکی دیگر از حربه‌های استعمار انگلیس برای تسلط بر کشورهای مستعمره، تفرقه‌افکنی در میان گروه‌های اجتماعی است، برای مثال «پس از بازگشت وی (همفر) به لندن و بازگویی نتایج مأموریتش، که قبلاً هم مرتباً گزارش می‌کرد، معاون وزارت مستعمرات به وی می‌گوید: موضوع مهم برای تو در مأموریت آینده دو نکته است: یافتن نقاط ضعف مسلمانان و ایجاد تفرقه میان آنان.» (همان: ۶۷۵) استعمار انگلیس با اطلاع از اختلافات سیاسی، اجتماعی جامعه ایران که به تازگی با مفاهیم نوظهوری چون دموکراسی، مشروطه و ... آشنا شده بودند، همچنین با شناسایی و انتخاب انسان‌های بی‌اطلاع، کم‌خرد و سازش‌کار در میان این گروه‌های اجتماعی و ایجاد تمایل در میان آنان برای همراهی با سیاست‌های استعماری خود، عملاً راه اتفاق نظر و اتحاد در مقابل خود را مسدود ساخت.

بود فتنه انگیزیش بهر آن	که تا او برد بهره‌ای زین میان
-------------------------	-------------------------------

(پیشاوری، ص: ۲۶۵، ب: ۱۹)

چنین است کردار این دیو زاد	که بسیار کردیم پیش تو یاد
به هر کشور اندر به افسون و رنگ	بگیرد همی ابلهان را به چنگ
به فرزندگان برکند تنگ جای	به نیروی این ابلهان سرای
بشوراند این ابلهان را همه	به هر سرشبنانی که دارد رمه

(پیشاوری، ص: ۳۶۰، ب: ۱۳)

تفرقه و دامن‌زدن به این اختلافات گاه به جنگ‌های داخلی و خون‌ریزی‌های بی‌مورد نیز منتهی می‌گردید؛ «انگلیسی‌ها که از همان ابتدای ورود به ایران در زمان صفویه، شیعه را سد راه وصول به اهداف استعمارگرایانه خود یافته بودند، در اندیشه تضعیف باورهای اسلامی و اعتقادات ضد سلطه بیگانه مردم شیعه داشتند... و با هدف تضعیف قدرت نظامی

و اقتصادی شیعیان همواره سلاطین عثمانی را به جنگ با ایران و درگیری خونین با پادشاهان شیعه مذهب صفوی تشویق می‌کردند.» (عطارزاده، ۱۳۸۸: ۳۹۳)

شاخه‌های سیاسی مختلف که در عصر مشروطه‌خواهی به عنوان یک نماد سیاسی تلقی می‌شد، از نظر ادیب تنها بازپچه‌ای برای تفرقه‌افکنی در میان عموم سیاستمداران بود، از نظر وی دمکرات‌ها، اعتدالیون و ... همه و همه تنها گرفتار نفاقی بودند که آنان را از وحدت نظر برای دستیابی به هدف اصلی که همان مشروطه مشروع بود باز می‌داشت.

از طرفی نگرش سیاسی ادیب به دلیل تجربه و سوابق ذهنی از نحوه عمل انگلستان در کشورهای مستعمره خود چنین بود که مشروطه وارداتی حاصل دیپلماسی لندن است که در ورای آن نقشه تباهی و نابودی ایران کشیده شده است، او معتقد بود انگلیس با اختلاف انداختن بین مشروطه‌خواهان به‌ویژه عالمان دینی توانست مشروطه را از مسیر اصلی آن منحرف سازد و مسیری را فرا روی آن قرار دهد که نفع و سلطه انگلیس را بیشتر سازد. ادیب با نهضت عدالتخانه و هر نهضتی که رهبری آن در دست افراد صالح قرار داشت و منجر به تعدیل استبداد و خودکامگی می‌شد مخالفتی نداشت. ابیات ذیل نوع نگاه و تلقی منتقدانه ادیب از مشروطه و رویدادهای متعاقب آن را نشان می‌دهد. (کیخا، ۱۳۸۶: ۱۷۱-۱۸۸)

به ایران درون شورشی خواست کرد	یکی شوروی مجلسی راست کرد
بدین شورش اندر که او ره سپرد	به جادوگری نام شورش گذارد
درین فتنه شد کشته چندین هزار	که در گردنش خونشان ماند باد
درین فتنه هر خون که شد ریخته	به گردن درش هست آویخته
درین فتنه هر تن ز ایران که کاست	هزار انگلیسش فزونتر بهاست
	(پیشاوری، ص: ۴۳۹، ب: ۱)

۲-۳- نتایج حاصل از حضور بیگانگان

تسلط بر جامعه مستعمره که اغلب با مقاومت گروه‌های آگاه و ضد استعمار در این کشورها نیز همراه بود، نتیجه‌ای جز فقر، خون‌ریزی، عقب‌ماندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای آنان به همراه نداشت، در زیر به نمونه‌ای از نتایج حاصل از حضور استعمار انگلیس که در قیصرنامه بازتاب یافته است اشاره می‌شود:

۲-۳-۱- ریخته شدن خون بیگناهان

یکی از نتایج خونبار حضور استعمار انگلیس در ایران، ترور و کشتن مخالفان همچین مرگ هزاران نفر از انسان‌های بی گناهی است که به دلیل سیاست‌های استعماری و اقتصادی انگلیس در ایران جان خود را از دست دادند:

چه خون‌ها که بر بی‌گنه ریختی	ازین فتنه‌هایی که انگیختی
جهیدی به ایران درون برق‌وار	فکندی به هر گوشه اندر شرار
شرارت دل مرد و زن سوخته	چو مرغی که بر بابزن سوخته

(پیشاوری، ص: ۲۶۴، ب: ۵)

۲-۳-۲- بیکاری هنرمندان و صنعت‌گران داخلی در نتیجه وابستگی

اجرای گام به گام طرح وابستگی از سوی استعمار، و توجه به کالای غیر خودی در کشورهای مستعمره نتیجه‌ای جز تعطیلی صنعت و هنر داخلی نداشته و تنها فروغلتیدن در چاه ناتوانی و عجز و نیاز را تسریع کرد:

هنرها سراسر فراموش گشت	هنرمند در خاک خاموش گشت...
نبینند مردم ره سود خویش	سیه روی گردند از دود خویش
کسی کو گرائید از مردمان	بر آیین و هنجار این کژدمان

(پیشاوری، ص: ۶، ب: ۱۰)

تبلیغات دروغین چشم بصیرت و فروغ دیده‌ مردمان شرقی را هدف قرار داد و در نهایت وابستگی، هنرمند و صنعت‌گر داخلی به فراموشی سپرده شدند، این جاست که مسیر سیه-روزی و تباهی برای ملت‌ها آغاز می‌شود.

ره پیشه بر پیشه‌ور بسته شد	هنرمند را دل ز غم خسته شد
هنرها سراسر فسردن گرفت	هنرور ز غم راه مردن گرفت
چو از کارگه پیشه‌ور گشت پرت	همه رشته‌کار شد ترت و مرت

(پیشاوری، ص: ۱۲، ب: ۱۵)

به فراموشی سپرده شدن اهالی علم و هنر نتیجه‌ای جز حضور افراد نالایق و ناکارآمد در صدر امور را به همراه نداشت. در این شرایط نمی‌توان از انسان‌هایی که به دلیل سرسپردگی استعمار، جایگاهی اجتماعی یافته‌اند، انتظار عدالت گستره و رفاه اجتماعی داشت:

تو نیکی از آن شهر و کشور مجوی که دارد در آن بی هنر آبروی
(پیشاوری، ص: ۷، ب: ۵)

۲-۳-۳- بدعهدی و عدم حمایت از کشورهای مستعمره در موقع لزوم
شرایط ایران در میانه بلوای جنگ جهانی اول و حضور کشورهای استعماری در آن به
گونه‌ای است که انتظار می‌رود در مقابل گرفتن امتیازات مختلف از ایران، با او در شرایط
دشوار جنگ همراهی کنند، ولی ادیب در ابیات زیر به روشنی بر بدعهدی و پیمان شکنی
استعمارگران در این دوران اشاره کرده و بر آن صحه می‌گذارد:

بریتانیا را چه انده ازین که یکباره شورید ایران زمین...
تو ای بی خبر مانده از کار وی مشو غره بر عهد و زنهار روی
که او چون تو بسیار کس در تله کشید و سرانجام کردش یله
(پیشاوری، ص: ۴۴۹، ب: ۱۹)

۲-۳-۴- فقر، قحطی و کوچ اجباری

اسناد علنی شده دولت آمریکا، که در کتاب «قحطی بزرگ و نسل کشی در
ایران»، ارائه شد، ثابت می‌کند که بزرگترین نسل کشی سده بیستم میلادی در ایران
رخ داد و ایران بزرگترین قربانی جنگ اول جهانی بوده است. طبق تحقیق مجدد، در
طول سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۹ بین هشت تا ده میلیون نفر از مردم ایران در اثر قحطی یا
بیماری‌های ناشی از کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه از میان رفتند و جمعیت ایران به
شدت کاهش یافت. (مجد، ۱۳۸۷: ۱۵-۲۰)

چه بسیار پر کاخ آبادجای کنون بوم آنجاست نغمه‌سرای
زن و مرد از دهکده کرده کوچ شکم از خورش تی، تن از جامه لوچ
پر از کودک و بیوه بازار و تیم در آغوش هر جفت‌مرده، یتیم
مگو روس کاین فتنه انگریز کرد همه کار این فتنه انگیز کرد
(پیشاوری، ص: ۲۴۶، ب: ۲۰)

۲-۴- راه مقابله با دشمن استعمارگر

ادیب در مجموع گفتارهای صریح خود درباره استعمار انگلیس، تنها به بازنمایی و نقد شرایط موجود نمی‌پردازد، او با دقت در آثار و دلایل این اتفاق، همچنین داشته‌های ایرانیان چه از گذشته و چه دوران خود، راه‌هایی را برای مقابله با این شرایط پیشنهاد می‌دهد:

۲-۴-۱- توجه به علم و دانش (فرهنگ)

علم‌آموزی و کسب دانش از عواملی هستند که از سطحی‌نگری جلوگیری کرده، نگاه و درکی عمیق در انسان‌ها برای واکاوی مسائل مختلف ایجاد می‌کنند. ادیب با درک این قانون بر علم‌آموزی برای آشکار کردن حقایق نیرنگ‌های استعمار انگلیس تکیه دارد:

تو فرزند عقلی نه بیگانه‌ای
تو بر عقل برهان فرزانه‌ای
به فرهنگ گیتی به دست‌آر تو
ز نیرنگ بردار، دستار تو

(پیشاوری، ص: ۲۲۵، ب: ۵)

۲-۴-۲- توجه بر گذشته پر افتخار

نام‌های بی‌شماری از شاهنامه فردوسی در این منظومه مورد استفاده قرار گرفته است که در اینجا به برخی از آنان اشاره می‌شود: رستم (روستم، تهمتن، خداوندرخش) ضحاک (بیور، ماردوش) فریدون، اردشیر، اسفندیار، سیاوش (سیاوخش، سیاووش)، بهمن، زال، بیژن، سیمرغ، آرش، طوس و ... در این میان، به ترتیب، رستم، فریدون و کاوه با ۳۷، ۳۳ و ۲۵ تکرار بیشترین بسامد استفاده را داشته‌اند.

یکی از آثار استفاده از مؤلفه‌های پهلوانی و اسطوره‌ای، تحریک و برانگیختگی اجتماعی است که به نظر می‌رسد منظومه قیصرنامه با نگاهی به این تأثیرگذاری و خطاب به عامه مردم ایران زمین سعی در القاء افکار و اندیشه‌های خود به آنان دارد، مردمانی که اسطوره‌ها و پهلوانان تأثیرگذار تاریخی خود را بیشتر از رجال سیاسی و کم‌اثر عصر خود می‌شناسند.

اگر پارسی بچه‌ای در نهاد
چرا از نژادت نیاری بیاد
نبینی که کاوه بدان کهنه چرم
جهان کرد چون آهنین کوره گرم
چنان آتش از کوره افروخت او
که اژدر به کوره درون سوخت او

(پیشاوری، ص: ۴۲۲، ب: ۲۰)

۲-۴-۳- شناسایی و مخالفت با سازش‌کاران

بصیرت سیاسی و نگاه دقیق ادیب این فرصت را برای او فراهم ساخت تا به خوبی سره را از ناسره تشخیص دهد. ادیب با شجاعت و فارغ از جانبداری، در میانه کارزار و التهاب مردم برای به دست گرفتن سرنوشت خود که گاه به نام اسلام تصاویر نامطلوبی را در اذهان باقی می‌گذاشت، از وجود روحانی نمایانی که هیچ خدمتی را جز زراندوزی، ریاکاری

و خیانت به مردم و میهن روا نمی‌دارند، سخن می‌گویند و در فصل مشیع و نسبتاً مفصلی با عنوان «در نکوهش علماء سوء و زیان ایشان به اسلام و مسلمین» به نکوهش رفتار نادرست این جمع می‌پردازد:

ره نیکو و بد نموده مرا...	تو ای چشم بینش گشوده مرا
چو تیری ز زه جسته، بگریز تو	ازین شور چشمان بپرهیز تو
نمازش گهی خواند و گاهی صیام	نهاده برین زر دو صد گونه نام
نباشد به جز زر قصد خبیث	گهی فقه نامش کند گه حدیث
به دست اندرون سبحة، در دل صلیب	به جیفه بر از فقه اندوده جیب
که روپوش هر لاش مردار گشت	مگر فقه او مشک تاتار گشت
نخواهد دلش جز زر جعفری...	به خود بسته رسم و ره جعفری

(پیشاوری، ص: ۴۸۲، ب: ۸)

نتیجه‌گیری:

کشورهای استعماری از جمله انگلیس همواره با ترفندهای مختلف سعی در پنهان ساختن چهره استعماری خود نزد افکار عمومی جهان داشته و دارند، با وجود این در میان خیل نخبگان سیاسی و هنری کشورها، انسان‌های با بینش و ذکاوت سیاسی بالا، آزاده، بی‌پروا و صریح‌الهیجه وجود دارند که چهره واقعی این استعمارگر پیر را برای همگان روشن و آشکار می‌سازند. در میان متون نظم و نثر عصر مشروطه، منظومه حماسه تاریخی قیصرنامه ادیب پیشاوری، از جمله مجموعه‌هایی است که با تحلیل دقیق و هوشمندانه رفتارهای استعماری کشور انگلیس، تصویری دقیق از این سیاست‌ها برای مخاطبان خود آشکار ساخته است. این تصویرگری در ضمن بیانی آرکائیک و در روایتی آشنا در قالب شاهنامه فردوسی، همچنین یادآوری اسطوره‌های ایرانی برای مخاطبان، به گفتمانی برای برانگیختگی و بیداری مخاطب در مقابل رفتارهای استعماری کشورهای استعمارگر بدل شده است.

حضور ادیب در بطن حوادثی که استعمار انگلیس پایه‌گذار اصلی آن در کشورهای هندوستان، افغانستان و ایران بوده است، بر دقت و ارزیابی صحیح وی از رفتارهای استعماری کشور انگلیس در میان کشورهای شرقی صحنه می‌گذارد. بازتاب دریافت‌های ادیب از این سیاست‌های استعماری به‌گونه‌ای ملموس و قابل درک است که امروزه نیز

واکاوی بازتاب چهره‌استعمار در قیصرنامه‌ ادیب پیشاوری ۷۸۳

می‌توان رد پای این رفتارهای استعماری را با همان شیوه و یا در اشکال متفاوت آن در میان جوامع شرقی ملاحظه کرد.

منابع:

- ✓ احمدزاده، محمدمیر. (۱۳۹۴). «بازتاب عینیت تاریخی در ادبیات سیاسی عصر نهضت» فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۶۹-۱۴۹.
- ✓ پیشاوری، سیداحمد؛ مشهور به ادیب. (۱۳۹۷ ه.ش). قیصرنامه، ایران: تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۷۶۸.
- ✓ ذاکر حسین، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطه، جلد اول، تهران: نشر علم.
- ✓ زرقانی، مهدی. (۱۳۹۱). چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث.
- ✓ عبدالرسولی، علی. (۱۳۱۲). دیوان قصاید و غزلیات، تهران: نشر اقبال.
- ✓ عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۸) «فرقه‌سازی انگلیس در کشورهای اسلامی» مجموعه مقالات همایش ایران و استعمار انگلیس، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ✓ کیخا، عصمت. (۱۳۸۶). «افکارسیاسی آقا سیداحمد رضوی مشهور به ادیب پیشاوری» میراث سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم بهار، شماره ۳.
- ✓ مجد، محمدقلی. (۱۳۸۷). قحطی بزرگ، ترجمه کریمی، محمد، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ✓ واعظزاده خراسانی، محمد. (۱۳۸۸) «فرقه‌سازی انگلیس در کشورهای اسلامی» مجموعه مقالات همایش ایران و استعمار انگلیس، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ✓ یاحقی، جعفر. (۱۳۹۱). جویبار لحظه‌ها، تهران: انتشارات جامی.